

# دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس، جلسه ۲۳، باستان‌شناسی و طومارهای دریای مرده بخش ۱

جفری هادون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر جفری هادون در تدریس خود در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس است. این جلسه ۲۳، باستان‌شناسی و طومارهای دریای مرده، بخش ۱ است.

در ذهن اکثر محققان و باستان‌شناسان کتاب مقدس، محققان کتاب مقدس و باستان‌شناسان، شکی نیست که کشف و بازیابی طومارهای دریای مرده احتمالاً بزرگترین یافته باستان‌شناسی مرتبط با کتاب مقدس در دوران مدرن است.

طومارهای دریای مرده شامل نزدیک به ۱۰۰۰ قطعه از تقریباً ۱۰۰۰ نسخه خطی و همچنین چندین نسخه خطی تقریباً کامل از کتاب مقدس، تفاسیر و ادبیات فرقه‌ای است که قدمت آنها به قرن‌های بلافاصله قبل و کمی بعد از آغاز این دوران برمی‌گردد. این طومارها طی چندین سال در نزدیکی ساحل شمال غربی دریای مرده، نزدیک مکانی به نام خیریت قمران یافت شده‌اند. و ما در اینجا تصویری از حداقل یکی از غارها، غار شماره چهار، می‌بینیم و ویرانه‌های واقعی قمران در این منطقه قرار دارند.

این پرتگاه به سمت بیابان یهودیه است. دو قطعه از طومار مسی معروف در حین کشف آنها کشف شد. این در واقع تنها طومار کاملی است که توسط باستان‌شناسان و نه توسط بادیه‌نشینان پیدا شده است. به زودی آن را بررسی خواهیم کرد.

باز هم، در اینجا چند نکته کوتاه در مورد بیابان یهودیه آورده شده است. این همان حمیدبار، میدبار یهودای کتاب مقدس است. اینها، باز هم، صحنه‌هایی از نگاه به بزرگراه اورشلیم و چشم‌انداز بیابان هستند.

و از طرف دیگر، از کوه اسکوپوس به سمت شرق با منظره‌ای از طبیعت بکر. خب، خود طومارها در مجموعه‌ای از حداقل ۱۲ غار پیدا شدند، احتمالاً تعداد بسیار بسیار بیشتری. اما قدمت سایت خیریت قمران بسیار بیشتر است.

و ما سعی خواهیم کرد آن را باز کنیم و سپس به توضیحات خود ادامه دهیم. خیریت قمران، همانطور که در سخنرانی قبلی اشاره کردیم، احتمالاً یکی از شهرهای بیابان یا منطقه بیابانی تقسیم قبیله‌ای یهودا بوده است. برخی افراد ساکا را باور دارند، اما پیشنهادات و نظریه‌های دیگری نیز وجود دارد.

این دوباره نقشه بالایی از ویرانه‌های قمران است، همانطور که در ابتدا توسط دومینیکن‌ها در مدرسه کتاب مقدس کاوش شدند. دوباره کانال‌های آبی را داریم که آب را از سدها در امتداد پرتگاه به محل می‌آوردند. این هم تصویری از برخی از کاوش‌های مجاور در آن گدی و همچنین در مکانی به نام شهر نمک، ایرها ملک، درست در امتداد ساحل دریای مرده است.

باز هم، هر دو به عهد عتیق و خود قمران برمی‌گردند. اثر عالی برای مطالعه تاریخ طومارهای دریای مرده اثر وستون فیلدز است که اخیراً درگذشت و جلد اول آن منتشر شده است.

امید است جلد دوم در مقطعی منتشر شود. او توضیح بسیار مفصلی از تاریخچه کشف طومارها و رمزگشایی اولیه آنها ارائه می‌دهد. برای بسیاری از مردم جای تعجب است که کشف مجدد طومارهای دریای مرده، که حدود سال ۱۹۴۷ اتفاق افتاد، اولین باری نیست که نسخه‌های خطی در بیابان یهودیه در نزدیکی مبدا دریای مرده پیدا می‌شوند.

رهبر مسیحی، رهبران مسیحی قرن دوم و سوم، کشف یک نسخه خطی باستانی به همراه سایر کتاب‌های عبری و یونانی را در کوزه‌ای در نزدیکی اریحا گزارش دادند. باز هم، اریحا کمی بعد یا درست در شمال خیریت قمران قرار دارد. بنابراین، این، دوباره، اشاره‌ای بسیار قدیمی به نسخه‌های خطی یافت شده در کوزه‌ها است.

ثانیاً، تیموتائوس، پاتریارک سلوکیه، نیز موارد زیر را گزارش می‌دهد. او از یک یهودی معتمد شنیده است که چند سال پیش تعدادی کتاب در یک غار سنگی در نزدیکی اریحا پیدا شده است. پس از اینکه یک شکارچی سگ خود را تا غاری دنبال کرد و اتفاقی حاوی کتاب‌های زیادی پیدا کرد، یهودیان اورشلیم تحقیق کردند و کتاب‌هایی از عهد عتیق و کتاب‌های دیگری به خط عبری پیدا کردند.

و ما یک نفر دیگر، یک آقای دیگر داریم؛ من اسمش را تلفظ نمی‌کنم، یعقوب، چیزی در سال ۹۵۰، یعنی حدود یک قرن پس از تیموتائوس، یک محقق یا مورخ کاریتی، آموزه‌های گروه یهودی به نام قوم غار را توصیف کرد که به ادعای او در کتاب‌هایی پنهان در غارها موجود بودند. بنابراین، موارد متعددی از کتاب‌ها یا طومارها در غارها یا جایی در مجاورت قمران قبل از سال ۱۹۴۷، زمانی که اولین گروه از طومارهای دریای مرده پیدا شدند، وجود دارد. سرانجام، در دهه ۱۹۳۰، کارخانه پتاس دریای مرده در ساحل شمالی دریای مرده، یک شهرک یهودی‌نشین، بادیه‌نشین‌های محلی، و این از قبیله تامیر است، عتیقه‌جات، سکه‌ها و سفال‌ها را به کارگران این شهرک فروخت و پیشنهاد داد که آنها را برای دیدن غارهایی که حاوی کتاب‌هایی از زمان پادشاهان شما هستند، با چند پیاستر بیشتر ببرد.

نمی‌دانم آیا هیچ‌کدام از کارگران این پیشنهاد را پذیرفتند یا نه، اما این هم اشاره‌ای به طومارهای احتمالی در همین نزدیکی در این منطقه است. ما همچنین روایتی از موسی ویلهلم شاپیرا داریم که اهل اورشلیم و دلال آثار باستانی در شهر قدیمی در قرن نوزدهم بود. او به خاطر فروش آثار باستانی به گردشگران و موزه‌ها بسیار شناخته شده بود.

او ادعا کرد که نسخه‌های خطی، باید بگویم نسخه‌های چرمی یا نوارهایی از این‌ها را از ساحل شرقی دریای مرده پیدا کرده است. او ادعا کرد که این نسخه‌های خطی حاوی نسخه‌ای اولیه از تثنیه هستند و قدمت آنها را به ۸۵۰ سال قبل از میلاد مسیح نسبت داد. سپس می‌خواست آنها را به مبلغ هنگفت یک میلیون پوند استرلینگ به موزه بریتانیا ارائه دهد.

محققان این نوارهای چرمی را در انگلستان بررسی کردند و ادعا کردند که آنها جعلی هستند، شاید حاشیه‌های پهن طومارهای واقعاً قدیمی تورات که بریده شده و سپس با حروف پالتو نوشته شده‌اند. درک این نکته مهم است که ستون سنگی مشا ده سال دیرتر از این نوارها، و آن هم از شرق دریای مرده در موآب، پیدا شد. بنابراین، این ستون نیز از آن منطقه بوده است.

شاپیرا از این اتهام جعل اسناد بسیار ناراحت شد و در سال ۱۸۸۴ در هتلی در روتردام خودکشی کرد. خود نوارهای چرمی تا دهه ۱۸۹۰ مستندسازی شده بودند و سپس ناپدید شدند. اخیراً کارهای زیادی در این زمینه انجام شده است.

در ابتدا جان آلگرو درباره کتاب شاپیرا با عنوان «ماجرای شاپیرا» نوشت. اما اخیراً، این کتاب مورد مطالعه مجدد زندگی او قرار گرفته است و برخی از محققان معتقدند که ممکن است ادعاهای او در مورد این طومارها صحت داشته باشد. متأسفانه، عکس‌های این طومارها پیدا نشد.

خیلی تیره بودند. نوشته‌ها دیده نمی‌شد. در اینجا چند نسخه از این طومارها، شکل ظاهری آنها و البته کتاب آلگرو آمده است.

کریستین کوردر محل مغازه‌ی شاپیرا را نوشته بود. او دوباره به مسیحیت گرویده بود. او یهودی بود و دخترش کتابی به نام «دختر کوچک اورشلیم» نوشت که یک رمان بود اما روایتی تا حدودی پنهان از زندگی خودش.

نام‌ها تغییر داده شده‌اند، اما به وضوح می‌توان فهمید که هر کسی از غم و اندوه پیرامون این ماجرا و خودکشی پدرش چه کسی است. کمی پس از این زمان، یک محقق یهودی که در انگلستان زندگی می‌کرد و در دانشگاه کمبریج کار می‌کرد، به نام سلیمان شختر، از وجود یک جنیزه در کنیسه بن عزرا در قاهره، قاهره قدیم، مطلع شد. در داخل این جنیزه نسخه‌های خطی بسیار باستانی وجود داشت.

بنابراین، شختر به کنیسه بن عزرا در قاهره رفت. این کنیسه اخیراً بازسازی شده است، تصویری از آن در اینجا. این نردبانی است که به مخزن یا گنیزا می‌رود، جایی که طومارهای قدیمی و فرسوده را قرار می‌دهند.

او فقط طومارهای پاره پاره و قطعاتی از نسخه‌های خطی را تهیه کرد، آنها را در جعبه‌هایی قرار داد و به انگلستان فرستاد، جایی که سال‌های زیادی را صرف کار بر روی آنها کرد. شکتز توجه خود را بر دو قطعه از اثری که از منبعی بسیار قدیمی‌تر کپی شده بود، متمرکز کرد. این اثر شامل آموزه‌های یک فرقه یهودی منقرض شده به نام «پسران زادوک» بود که حدود قرن اول قبل از میلاد وجود داشت و توسط شخصیتی معروف به معلم پارسایی «رهبری می‌شد. نسخه دیگری از همین اثر دقیق بعداً همراه با اولین گروه از طومارهای دریای» مرده، «سرخ‌ها یهاد» یا «قانون جامعه» و «سند دمشق» پیدا شد.

بنابراین، شختر دوباره واقعاً چیزی را که ما قدیمی‌ترین طومار دریای مرده می‌نامیم، تنها در قاهره و نه در نزدیکی دریای مرده پیدا کرد. پس چگونه طومارهای دریای مرده پیدا شدند؟ شما باید به زمینه سیاسی کشف آنها نگاه کنید و بفهمید که در سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ در فلسطین چه می‌گذرد. این زمان، زمان آشوب و اغلب جنگ آشکار بین یهودیان و اعراب بود.

بریتانیایی‌ها که بر فلسطین قیمومت داشتند، مسئول بودند و سعی می‌کردند نظم را حفظ کنند. اوضاع بسیار بسیار خشونت‌آمیز و بسیار خطرناک بود. اینجا دوباره یک ماشین در بیرون دروازه دمشق در حال سوختن است.

حتی امروز، هنوز هم خاطرات آن زمان را با این کیوسک‌های مستحکم برای بررسی ترافیک جاده و بررسی مدارک افرادی که از آنجا عبور می‌کردند، دارید. اینجا یک محوطه روسی یا منطقه‌ای نزدیک به جاده یافا است. می‌توانید ببینید که بریتانیایی‌ها مجبور بودند چه حفاظتی برای محافظت از موانع و سیم‌های خاردار برای محافظت از خودشان ایجاد کنند.

بنابراین، آن زمان، زمان بسیار خطرناکی برای حضور در سرزمین مقدس بود. دقیقاً در همان زمان بود که داستان معروف دو پسر بادیه‌نشین که به دنبال گوسفند گمشده‌ای می‌گشتند، سنگی را به داخل غاری انداختند و به جای شنیدن صدای برخورد سنگ به سنگ دیگر، صدای شکستن سفال را شنیدند. بنابراین آنها بررسی کردند و چندین کوزه پیدا کردند که روی آنها درب وجود داشت.

این عکس دو نفر از آنهاست. و بنابراین آنها با این فکر که قرار است گنج پیدا کنند، وارد کوزه می‌شوند. و به جای بیرون آوردن طلا یا نقره یا سکه، یک طومار لوله شده، بلند، کپک زده و بسیار سبز رنگ را بیرون می‌آورند.

و بنابراین، آنها آن را رها می‌کنند و آن شب در کنار آتش، دور آتش اردو، تعریف می‌کنند، می‌گویند چه چیزی پیدا کرده‌اند و برمی‌گردند، این طومارها را برمی‌دارند و حداقل یکی دو تا از آنها را برای ارزیابی به بیت‌لحم می‌برند. شاید بتوانند آنها را بفروشند و پولی به دست آورند. حالا، زمان بین ارزیابی طومارها از غار تا زمانی که آنها را به بیت‌لحم می‌بردند تا توسط یک عتیقه‌فروش بررسی شود، می‌توانست مدت زمان زیادی بوده باشد.

و می‌توانید تصور کنید که یک طومار دریای مرده در زمستان فلسطینی‌ها به میخ بیرون چادر آویزان بوده و منتظر کسی بوده که به بیت‌لحم برود و آن را بردارد و ارزیابی کند. نمی‌دانیم چقدر طول کشیده، اما احتمالاً ماه‌ها طول کشیده است. عربی که بادیه‌نشین را پیدا کرد، محمد احمد الحمید یا ادیب بود؛ گرگ لقب او بود.

و سال‌ها بعد، تلاش‌هایی برای یافتن او صورت گرفت، و گرفته شده است. و عکس‌هایی از افراد مختلف وجود دارد که ادعا می‌کنند او هستند. ما مطمئن نیستیم که آیا این عکس، خود شخص واقعی است یا خیر.

ضمناً، معلوم شد که آن غار شماره یک است. آن قسمت داخلی غار امروزی و ورودی غار از بیرون است. بنابراین، کشف اولیه سه طومار توسط دو یا سه نفر از اعراب بادیه‌نشین امیر، از جمله ادیب، در زمستان ۱۹۴۶، یا احتمالاً زودتر به دلیل الگوهای فصلی چرای گله‌هایشان انجام شده است ۱۹۴۷، ۱۹۴۶.

بنابراین، آنها احتمالاً در طول نیمه سرد سال، زمستان، اوایل بهار، در آن منطقه بوده‌اند و سپس به ارتفاعات رفته‌اند، و در اواخر بهار به تپه‌های اطراف بیت‌لحم رفته‌اند. بادیه‌نشینان طومارها را به بیت‌لحم آورده‌اند جایی که آنها را به مغازه‌دارانی که با عتیقه‌جات سروکار داشتند نشان داده‌اند. سپس آنها به عنوان نسخه‌های خطی عبری شناخته شده‌اند.

جورج ایسایا، مغازه‌دار، متقاعد شد که طومارها اصل هستند و آن بادیه‌نشین را به مردی به نام خلیل اسکندر شاهین، معروف به کوندو، ارجاع داد. کوندو نیز به نوبه خود، طومارها را گرفت، پنج پوند پیش‌پرداخت داد و آنها را نزد مار آتاناسیوس، یشو ساموئل از کلیسای ارتدکس سوری و یک علاقه‌مند آماتور به نسخه‌های خطی در کلیسای سنت مارک در محله ارمنی‌نشین اورشلیم آورد. او آنها را درجا به قیمت ۲۴ پوند، صد دلار، خریداری کرد و معامله در اواخر تابستان ۱۹۴۷ انجام شد.

بنابراین، اولین گروه از طومارها در آن زمان کم و بیش دست نخورده پیدا شدند و به قیمت صد دلار فروخته شدند. ساموئل تلاش کرد تا نظرات کارشناسان را در مورد طومارهای خود جویا شود. هیچ کس او یا طومارها را جدی نگرفت.

،سموئیل حتی با طومارها به حمص، سوریه سفر کرد، جایی که اسقف اعظم او نیز آنها را کنار گذاشت. حال باید درک کنیم که در اورشلیم در آن زمان، اگرچه تنش‌های زیادی وجود داشت و گاهی اوقات جنگ آشکار و خشونت زیادی وجود داشت، اما دانشمندان زیادی از مکاتب مختلف حضور داشتند. محققان دانشگاه عبری، مدرسه فرانسوی با محققان کتاب مقدس، محققان آلمانی و مدرسه آمریکایی.

و بنابراین، او این طومارها را پیش برخی از این محققان می‌برد و آنها را رد می‌کرد. هیچ راهی وجود ندارد که اینها طومارهای واقعی باشند. آنها به سادگی دوام نمی‌آورند.

بنابراین، کوندو، شی را برای یافتن طومارهای بیشتر فرستاد و با راهنمایی بادیه‌نشینان، چهار طومار دیگر از غار بازیابی شد. سه تا از این طومارها به قیمت سی دلار به دلالت دیگری در بیت‌لحم فروخته شد و دو تا از کوزه‌هایی که پیدا شدند، باز هم به قیمت باورنکردنی ۷۵ سنت برای هر کدام فروخته شدند. مغازه‌دار دیگری در بیت‌لحم به عنوان نماینده فروش این سه طومار عمل کرد و با الیزر سوکنیک از دانشگاه عبری تماس گرفت.

و باز هم، سوکنیک، به یاد داشته باشید، اولین باستان‌شناس یهودی اسرائیلی بود که آموزش دید و یکی از پیشگامان اولیه باستان‌شناسی اسرائیل بود. سوکنیک درست در روزی که سازمان ملل متحد به تقسیم فلسطین رأی داد، با اتوبوس به بیت‌لحم سفر کرد تا این طومارها را بررسی کند. حال، مهم است که در اینجا اشاره کنیم که پسر سوکنیک، باز هم، ایگال یادین بود که در آن زمان یک ژنرال اسرائیلی یا بهتر است بگوییم یک ژنرال یهودی در هاگانا، ارتش پیش از تشکیل دولت یهودیان در فلسطین، بود.

او همچنین باستان‌شناس بود. و از پدرش التماس می‌کرد که این کار را نکند. خیلی خطرناک است.

تو یک مرد یهودی هستی که به بیت‌لحم، یک شهر عربی، سفر می‌کنی. اگر آنها تو را بشناسند، ممکن است بمیری. اما سوکنیک چند دوست عرب مورد اعتماد داشت.

او لباس عربی پوشید و به بیت‌لحم رفت و به سلامت برگشت. در مدتی که در بیت‌لحم بود، توانست سه طومار را برای دانشگاه عبری خریداری کند که شامل یک طومار اشعیا که به خوبی حفظ نشده بود و دو طومار فرقه‌ای، جنگ پسران تاریکی علیه پسران روشنایی و طومارهای شکرگزاری، بود. بنابراین، سه تا از این طومارها تقریباً بلافاصله به دست یهودیان رسید.

بنابراین، متروپولیتن ساموئل، رهبر کلیسای سنت مارک، سرانجام طومارهای موجود در اختیارش را به مدرسه آمریکایی برد. مدرسه آمریکایی که بعدها دوباره به مؤسسه آلبرایت تبدیل شد، عمدتاً تخلیه شد. مدیر رفته بود.

در واقع فقط دو دانشجو آنجا بودند، ویلیام براونلی و جان ترور. آنها دانشجویان دکتری اخیر بودند. او طومارها را به آنها نشان داد.

و آنها بلافاصله با پروفیسور ویلیام آلبرایت در دانشگاه جانز هاپکینز تماس گرفتند و به نحوی چند عکس اولیه، از آنها را به او رساندند. و آلبرایت بلافاصله پاسخ داد و گفت: «تبریک بابت کشف بزرگترین نسخه خطی کشف دوران مدرن، چیزی شبیه به این.» او عاشق صفات عالی بود و مطمئناً از آنها در آن مکاتبات استفاده می‌کرد.

اینجا عکس‌های خیلی خوبی از ترور و دو تا از کاهنان ارمنی کلیسای سنت مارک هست. این آقا، آتاناسیوس ساموئل، کلانتر است. فکر کنم جورج اشعیا اینجاست.

او کمی بعد در خشونت‌های اورشلیم درگذشت. اتفاقی که افتاد این بود که جان ترور یک عکس آماتور بود. و بنابراین او فوراً خواست از همه طومارها عکس بگیرد.

و بنابراین، او دوباره اورشلیم را زیر و رو کرد، از گلوله‌ها جاخالی داد و از مغازه‌ای به مغازه دیگر رفت تا فیلم را پیدا کند. تمام فیلم‌هایی که در آن زمان موجود بودند، قدیمی بودند. تاریخ انقضایشان گذشته بود و این درست نبود، اما او تمام تلاشش را کرد و بهترین فیلم موجود را تهیه کرد.

باز هم، در یک آزمایشگاه عکاسی بسیار موقت، که در اینجا به تصویر کشیده شده است، او از هر ستون از هر طوماری که می‌توانست باز کند، از طومارهایی که متروپولیتن ساموئل داشت، عکس گرفت. البته، ویلیام براونلی که او نیز آنجا بود، به او کمک می‌کرد. بنابراین آن عکس در سمت راست واقعاً یکی از بزرگترین لحظات در تحقیقات مدرن کتاب مقدس را به تصویر می‌کشد.

آن یک طومار ۲۰۰۰ ساله روی آن میز است که توسط ترور از آن عکس گرفته شده است. و جان ترور در آن تصویر در سنین پیری است. باز هم، این عکس‌ها توسط دانشکده‌های آمریکایی تحقیقات شرقی، هم به صورت سیاه و سفید و هم رنگی منتشر شده‌اند.

و آنها احتمالاً بهترین راه برای مطالعه آن متون باقی مانده‌اند، زیرا از زمان کشف آنها، رو به زوال رفته‌اند، تیره شده‌اند و خواندن آنها بسیار دشوارتر است. و عکس‌هایی که بلافاصله پس از کشف توسط جان ترور گرفته شده است، واقعاً متنی را ثبت می‌کنند که بسیار بهتر از آن چیزی است که واقعاً می‌توانید ببینید، حتی اگر متن اصلی را جلوی خود داشته باشید. این کوندو است، مغازه‌دار یا پینه‌دوزی در بیت‌لحم که طومارها را می‌فروخت و بعداً با کشف قطعات بیشتر و بیشتر طومارها، واسطه بین بادیه‌نشینان و محققان بود.

حالا، این طومار اینجا واقعاً به نظر می‌رسد که سوخته است. در وضعیت بسیار بدی قرار دارد. این همان آپوکریفون سفر پیدایش است که تا مدت‌ها بعد توسط اسرائیلی‌ها باز نشد و بسیار بد نگهداری شد، اما با این وجود منتشر شد.

بنابراین، هفت طومار اولیه وجود داشت: چهار تا در اختیار متروپولیتن ساموئل و سه تا در اختیار اسرائیلی‌ها یا به زودی اسرائیلی‌ها، بود، زیرا کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ اعلام شد. و الی‌عازر سوکنیک اینجا در حال مطالعه یکی از طومارهایی است که خریداری کرده است، و همچنین یکی از کوزه‌ها، و پسرش ایگال یادین، خیلی بعدتر در زندگی‌اش، طومار دیگری به نام طومار معبد را که خودش منتشر کرده بود، می‌خواند. بنابراین متروپولیتن ساموئل، کشیش ارمنی که این چهار طومار را داشت، پس از فروکش کردن خشونت و تشکیل کشور اسرائیل و آرام شدن اوضاع در اورشلیم و اطراف آن، سعی کرد طومارها را بفروشد.

او مکان‌های مختلفی را برای فروش این طومارها امتحان کرد، اما موفق نشد. سرانجام آنها را به ایالات متحده آورد و در واقع آنها را برای فروش در وال استریت ژورنال قرار داد. و این هم آگهی اصلی: چهار طومارهای دریای مرده، نسخه‌های خطی کتاب مقدس که قدمت آنها حداقل به ۲۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد، برای فروش هستند. این یک هدیه ایده‌آل برای یک موسسه آموزشی یا مذهبی توسط یک فرد یا گروه خواهد بود.

باورش سخته، اما در واقع اون تبلیغی بود که وال استریت ژورنال برای طومارهای دریای مرده منتشر کرده بود. این در اسرائیل دیده و شناسایی شد، و دولت اسرائیل می‌خواست فوراً این طومارها را خریداری کند. و بنابراین یادین به نیویورک پرواز کرد، ایگال یادین، پسر سوکنیک، و با این شخص اینجا صحبت کرد.

و به این شخص لقب آقای گرین داده شد، و قرار بود متخصصی باشد که این طومارها را بررسی کند و از اصل بودن آنها اطمینان حاصل کند. نام واقعی او هری اورلینسکی، یک محقق یهودی بود، و حس شوخ طبعی بسیار خوبی داشت. و اولین کلماتش به یادین این بود که، آیا این قرار است خطرناک باشد؟ آیا برای یک حمله یا مانور نظامی خطرناک به من نیاز داشتید؟ و یادین گفت، نه، ما برای چیز مهم‌تری به شما نیاز داریم، و آن گرفتن این طومارها است.

بنابراین اورلینسکی به طومارها نگاه کرد و تشخیص داد که آنها اصیل هستند، و آنها خریداری و با هوایما به اسرائیل منتقل شدند. و برخی از آن دوباره در کتاب خود یادین در مورد طومارها، پیام طومارها، ثبت شده

است. بنابراین، از طرف اسرائیل، دوباره، پس از جنگ، جنگ ۱۹۴۸، اسرائیل بخش جنوبی بیابان یهودیه را کنترل کرد.

اردن بر بیابان‌های شمالی یهودیه، از جمله منطقه اطراف قمران، کنترل داشت. و برای اسرائیل، گزارش‌های زیادی از بادیه‌نشینانی وجود داشت که مخفیانه از مرز اردن عبور می‌کردند و دوباره از غارهای باستانی در وادی‌ها عبور می‌کردند، به بیابان، به مناطق کوهستانی می‌رفتند و شاید اشیاء باستانی، شاید حتی طومارها را غارت و پیدا می‌کردند. بنابراین، کاری که اسرائیلی‌ها انجام دادند این بود که آنها یک سفر اکتشافی با باستان‌شناسان آغاز کردند و به طور سیستماتیک تمام وادی‌ها یا دره‌های سمت مرز خود را بررسی کردند.

و بنابراین، اگر ماده‌ای آنجا بود، آن را پیدا می‌کردند و از دست بادیه‌نشینان نجات می‌دادند، جایی که شاید برای فروش عرضه می‌شد، اما خارج از چارچوب، و البته اطلاعات زیادی از آن به دست نمی‌آوردند. و بنابراین، یک بررسی اولیه از نهال هور، یکی از این دره‌ها که به سمت تپه‌ها می‌رود، فعالیت‌های بادیه‌نشینان مانند ته سیگار و زباله‌هایی را که حتی در دورافتاده‌ترین و صعب‌العبورترین غارها رها می‌کردند، نشان داد. با این وجود، آنها مواد را از دست دادند، و مواد اولیه از دوره‌های مس‌سنگی و رومی پیدا شد.

بیابان یهودیه که اینجا از دست دادم، در طول عصر مس‌سنگی، برنز میانی و آهن، و همچنین دوره روم توسط پناهندگان یا راهزنانی که از دست مقامات پنهان می‌شدند، اشغال شده بود. آنجا جایی بود که مردم برای فرار از جامعه و پنهان شدن به آنجا فرار می‌کردند. و بنابراین بقایایی از همه این دوره‌ها در بیابان یهودیه وجود دارد، نه فقط از اوایل دوره روم، زمانی که طومارهای دریای مرده در آنجا ذخیره شدند.

شهادت اخیر یکی از اعضای این تیم اولیه نشان می‌دهد که در واقع اسکلتی احتمالاً متعلق به یک کشیش یا یکی از اعضای فرقه مذهبی یهود در یکی از این غارها پیدا شده است. او به این موضوع شهادت داد، اما هیچ چیز در گزارش‌های اولیه ذکر نشد، بنابراین ما نمی‌دانیم که این موضوع چقدر صحت دارد. بنابراین بعداً یک سفر اکتشافی دیگر آغاز شد، یک سفر اکتشافی حتی کامل‌تر که تمام این دره‌ها را در سمت اسرائیلی مرز پوشش داد و آنها دوباره به تیمی از باستان‌شناسان، بیگال یادین، پساخ بارادون، که قبلاً در مورد آنها صحبت کردیم، داده شدند که تمام مواد مربوط به دوره مس و سنگ، یوحنا آهارونی و ناخمان آویگاد را پیدا کردند. این یک کابوس لجستیکی به دلیل دورافتادگی این مکان‌ها بود، بنابراین ارتش اسرائیل با تدارکات، تدارکات، هلیکوپتر و غیره کمک کرد و این کار برای چند فصل انجام شد.

در همین حال، در سمت اردنی مرز، در اطراف قمران، جایی که طومارهای اصلی پیدا شدند، کاپیتان عایش الزین از لژیون عرب اردن، با کمک بادیه‌نشینان، هیئت را برای یافتن غار قمران، جایی که هفت طومارهای اصلی پیدا شده بودند، رهبری کرد و او موفق شد و آن غار را دوباره کشف کرد. سپس اداره آثار باستانی اردن به رهبری جی. لنکستر هاردینگ، یک هیئت باستان‌شناسی را برای جستجوی غارهای بیشتر و کاوش در محل خیریت قمران، که دوباره به این غارها نزدیک بود، سازماندهی کرد، با این تصور که ممکن است ارتباطی بین ویرانه‌ها و غارها وجود داشته باشد. این هیئت توسط پدر دومینیکنی، رولان دوو، از مدرسه کتاب مقدس و باستان‌شناسی فرانسه یا مدرسه فرانسیسوی کتاب مقدس و باستان‌شناسی در اورشلیم، رهبری می‌شد.

بنابراین، یک موسسه بسیار معتبر قرار بود در آنجا حفاری کند و هاردینگ مسئول یافتن غارهای بیشتر و جستجوی طومارهای بیشتر بود. بنابراین، ما در مورد اسرائیلی‌ها و کارهایی که در آن سوی مرز انجام می‌دادند صحبت کردیم، و حالا اردنی‌ها، کارهایی که در آن سوی مرز انجام می‌دهند. بادیه‌نشینان چه می‌کردند؟ آنها تشخیص دادند که در آن غارها و آن طومارها پول وجود دارد، بنابراین کل منطقه را گشتند.

در حالی که فرانسیسوی‌ها در قمران مشغول حفاری بودند و برای خوردن ساندویچ باگت برای شام به خانه می‌رفتند، بادیه‌نشینانی که در طول روز در حفاری کار می‌کردند، شب‌ها بیرون می‌آمدند تا غارهای بیشتری پیدا

کنند و طومارها و قطعات طومارهای بیشتری را از خاک بیرون بیاورند. بنابراین، دوران سختی بود. محققان اروپایی‌ها، تمام تلاش خود را می‌کردند تا تا حد امکان صرفه‌جویی کنند، اما بادیه‌نشینان تقریباً همیشه از آنها جلوتر بودند.

و طومارها و قطعات طومار همچنان با قیمت‌های بالاتر و بالاتر اما بدون هیچ زمینه‌ای در بازار آثار باستانی ظاهر می‌شدند. و وقتی اسرائیلی‌ها و اروپایی‌ها به این غارها می‌رسیدند، آنها را غارت شده می‌یافتند و اگر طوماری در آنجا وجود داشت، دیگر وجود نداشت. بنابراین، پس از شناسایی غار ۱، کاوش‌هایی در آن غار انجام شد و قطعاتی از تقریباً ۷۰ سند و دو قطعه از دو طومار از هفت طومار اصلی آشکار شد.

خب، این لنکستر هاردینگ است، جوزف میلک در وسط، و بعد رولند دوو. خب، آنها وظیفه بزرگی داشتند که این غارها را بگردند و سعی کنند آنها را کاوش کنند. و البته، همه اینها به پول زیادی نیاز داشت.

اداره آثار باستانی اردن به هیچ وجه بودجه کافی نداشت. حتی پادشاهی اردن هم با کمبود بودجه مواجه بود بنابراین، به کمک نیاز بود، کمک‌های بین‌المللی از سوی نهادها و دولت‌ها برای کمک به این حفاری‌ها و کاوش‌ها.

و سپس، البته، کاوش‌ها و حفاری‌هایی در قمران، خود خربت قمران، انجام شد تا ارتباط بین نسخه‌های خطی و این مکان بررسی شود. و کوزه‌های مشابهی، کوزه‌های طومار، پیدا شدند. این کاوش‌ها تا سال ۱۹۵۶ انجام شد و سپس اسرائیلی‌ها با کاوش‌های اداره آثار باستانی اسرائیل در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ بازگشتند.

خب، یک محوطه باستانی که به شدت حفاری شده. و این، تا دقایقی دیگر جزئیاتش را توضیح خواهیم داد. این محوطه‌ای از قمران و برخی از غارهایی است که می‌توانید در مجاورت آن ببینید.

بنابراین، موقعیت فیزیکی و توپوگرافی قمران بر فراز تراسی مشرف به دریای مرده قرار داشت و در پشت آن، پرتگاهی قرار داشت که به سمت دره عکا بالا می‌رفت. و دوباره، در طول فصل مرطوب یا فصل بارانی زمستان‌ها در مناطق تپه‌ای، آب از آن وادی‌ها سرزیر می‌شد و به دریای مرده می‌ریخت. و بنابراین، ساکنان باستانی خربت قمران سدها و کانال‌هایی ساختند تا آن آب را در طول فصل بارانی به مخازن درون سکونتگاه هدایت کنند.

و بسیاری از آنها تا حدی بازسازی شده‌اند. آنها شناسایی و تا حدی بازسازی شده‌اند. بنابراین، حتی در ماه‌های خشک، قمران آب کافی برای نوشیدن و حمام کردن داشت.

به نظر می‌رسد زمانی که باستان‌شناسان اولیه به این مکان رفتند، کاملاً دورافتاده بوده است، اما در دوران باستان یک سیستم جاده‌ای در این منطقه وجود داشته است. بنابراین، در دوران باستان آنقدرها هم که قبلاً تصور می‌شد، دورافتاده نبوده است. خربت قمران توسط این باستان‌شناسان کشف نشد.

این شهر توسط مجموعه‌ای از کاوشگران اولیه در منطقه که به ویرانه‌ها اشاره کرده بودند، شناخته شده بود، اما آنها در آن زمان کاوش نشده بودند. کاوش‌های قمران اساساً تاریخ آن را روشن کرد و این نوعی تجزیه و تحلیل آن تاریخ است. این مکان احتمالاً در قرن نهم یا هشتم قبل از میلاد به عنوان یک پست مرزی و روستای مستحکم تأسیس شده است و احتمالاً دوباره در یوشع ۱۵ و همچنین در دوم تواریخ ۲۶ در طول سلطنت عزیا در قرن هشتم به آن اشاره شده است.

این احتمالاً یکی از سکونتگاه‌های کشاورزی شبه‌نظامی او بوده است. سپس، تقریباً در سال ۱۲۵ پیش از میلاد، یک فرقه مذهبی یهودی یا گروه مخالف، این ویرانه‌ها را دوباره اشغال کردند، آنها را بازسازی و گسترش دادند. بنابراین، قمرانی که آنها در آن زندگی می‌کردند، بر روی ویرانه‌های این پاسگاه شبه‌نظامی قبلی ساخته شد.

اعضای این فرقه سالن‌ها، کارگاه‌ها و اتاق‌های اجتماعات و همچنین سیستم پیچیده‌ای از مخازن آب و جمعیت در طول سلطنت الکساندر (mikvot) حمام‌های آیینی ساختند. باز هم، اصطلاح عبری میکوت جانیوس، یکی از پادشاهان حشمونائی، به طور قابل توجهی گسترش یافت. این اشغال توسط زلزله عظیمی که در سال ۳۱ قبل از میلاد در این منطقه رخ داد، مختل شد و خسارات ناشی از آن زلزله هنوز هم هنگام بازدید از قمران قابل مشاهده است.

ترک‌های موجود در یکی از میکوه‌ها نشانه‌ی آشکاری است. سرانجام، تقریباً از سال ۴ پیش از میلاد تا سال ۶۸ میلادی، قمران دوباره توسط همان فرقه اشغال شد و در سال ۶۸ میلادی، یک ارتش رومی، لژیون دهم، از شمال نزدیک شد و در دره اردن پیشروی کرد. در آن زمان، این مکان متروکه شد.

احتمالاً به این دلیل است که طومارها در غارها پنهان بوده‌اند و سرنوشت ساکنان فرقه یهودی مشخص نیست. آنها احتمالاً کشته یا به بردگی فرستاده شده‌اند. بنابراین، روایت خود را در آن مرحله به پایان می‌رسانیم و دفعه بعد مطالعه خود را در مورد طومارهای دریای مرده ادامه خواهیم داد.

این یک نمای هوایی زیبا از خیریت قمران، سکونتگاه اصلی است. می‌توانید برخی از آب‌انبارهای گرد را در اینجا ببینید که مربوط به دوره عهد عتیق هستند. این پرتگاه است و یک کانال آب وجود داشته که از یک سد به پایین جاری بوده و تمام آب‌انبارهای اینجا و برخی از غارهای اینجا و در مجاورت آن را پر می‌کرده است.

دریای مرده اینجا است، و بزرگراه مدرن در امتداد ساحل غربی دریای مرده نیز قابل مشاهده است. خیلی ممنونم.

من دکتر جفری هادون هستم در تدریسش در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه ۲۳، باستان‌شناسی و طومارهای دریای مرده، بخش ۱ است.